

Socio-cultural effects of the tomb of Hazrat Hamza

*Ammar Aboutalebi*¹

Received: 2021/04/02 | Accepted: 2021/11/23

(DOI): [10.22034/MTE.2021.6415](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.6415)

Original Article

P 7 - 40

Abstract

Hazrat Hamza is one of the prominent figures in the history of Islam who has played a significant role in the establishment and spread of Islam. The annual pilgrimage of the Holy Prophet from him and the continuation of this tradition by Hazrat Zahra and some other prominent figures of the beginning of Islam, caused the Foghaha of the sects to recommend a pilgrimage to Hamzah. The beliefs and customs of Muslims are remarkable in his pilgrimage. His status with the people of Medina was such that they dedicated special days of the week and year to his pilgrimage, especially the his Ziarat Rajabiyya, who was famous and popular. He had a high position in the beliefs of Muslims, which is manifested in blessings and recourse. The construction of a mosque on his tomb for at least ten centuries, Bituteh in Uhud, the detailed holding of Rajabiyah celebrations, Nativity and recitation of the body to Uhud for burial in his vicinity are other social effects of the tomb of Hazrat Hamzah. In a word, the people of Medina had customs and habits towards Hazrat Hamza, along with Shiite roots, which have not been reported in Baqiya, and all this indicates his high status among Muslims.

Keywords: Hamzeh, Uhud, consecration, Social Effects, Rajabiyya.

آثار فرهنگی اجتماعی مقبره حضرت حمزه (ع)

عمار ابوطالبی^۱

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/MTE.2021.6415](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.6415)

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۷/۱۳، تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۹/۰۲

علمی - پژوهشی

ص: ۴۰/۷

چکیده

حضرت حمزه (ع) از چهره‌های برجسته تاریخ اسلام است که نقش پررنگی در تثبیت و گسترش اسلام دارد. زیارت سالانه پیامبر اعظم از ایشان و استمرار این سیره توسط صدیقه طاهره و برخی دیگر از سرشناسان صدر اسلام، سبب شد فقهای فریقین به استحباب زیارت حمزه (ع) فتوا دهند. اعتقادات و آداب مسلمانان در زیارت ایشان قابل توجه است. منزلت او نزد اهل مدینه به گونه‌ای بود که روزهای خاصی در هفته و سال را به زیارت ایشان اختصاص دادند خصوصاً زیارت رجبیه او که مشهور و معروف بوده است. وی جایگاه رفیعی در باورهای اعتقادی مسلمانان داشته که تجلی آن در تبرک و توسل است. بنای مسجد بر روی مزار او حداقل به مدت ده قرن، بیتوته در احد، برگزاری مفصل جشن‌های رجبیه، مولودی‌خوانی و انتقال جنازه به احد برای دفن در مجاورت ایشان از دیگر آثار اجتماعی مقبره حضرت حمزه (ع) است؛ و در یک کلام اهل مدینه نسبت به حضرت حمزه (ع) آداب و عادت - باریشه‌های شیعی - داشتند که در بقیع گزارش نشده و این‌ها همه از منزلت رفیع ایشان نزد مسلمانان حکایت دارد.

کلیدواژگان: حمزه، احد، تبرک، آثار اجتماعی، رجبیه.

۱. محقق و پژوهشگر تاریخ اسلام و تاریخ حرمین شریفین، ab.ammar1376@chmail.ir

مقدمه

در سال سوم هجری غزوه احد در شمال مدینه و در دامنه کوه احد به وقوع پیوست که شهادت حضرت حمزه (ع) یکی از مهم‌ترین حوادث آن است. هرچند پیامبر اعظم نسبت به کوه احد عنایت داشتند. (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ۸۰) اما مزار حضرت حمزه (ع) در دامنه این کوه سبب اهتمام و اقبال مسلمانان به احد گردید.

کوه احد سه میل با مدینه فاصله داشته (ابن جبیر، ۲۰۰۸، ۱۵۴) و مسیر آن از دو طرف پوشیده از باغ و نخلستان و مزارع بوده (بروجردی، ۱۳۸۹، ج ۱، ۶۲۲) به گونه‌ای که این مسیر یکی از اماکن تفریحی مدینه به شمار می‌رفته (پاشا، ۱۹۹۹، الف، ۳۸) و پیمودن آن حدود ۴۵ دقیقه طول می‌کشیده. (پاشا، ۱۹۹۹، ۴۸) در موسم حج، حاجیان این مسیر را به صورت پیاده یا سوار بر مرکب یا با گاری‌های کوچک (فرهانی، ۱۳۶۲، ۲۳۴؛ علویه کرمانی، ۱۳۸۶، ۷۵) و اعیان و بزرگان نیز با کالسکه طی می‌کردند. (امین الدوله، ۱۳۸۹، ۵۳۲) به عنوان مرکب یا برای کشیدن گاری یا کالسکه، از الاغ‌های راهوار، یابو یا گاوی استفاده می‌شده. (همان)

کاروان شامی و حجاج ایران و عراق معمولاً از مسیر سلطانی می‌آمدند. (همان) مسیری در غرب مدینه که با عبور از مسجد شجره (کازرونی، ۱۳۸۹، ج ۶، ۲۷۰) از قسمت شمالی کوه سلح به مناخه در غرب مدینه وارد می‌شد؛ (مهندس، ۱۳۸۹، ج ۳، ۵۲۵) طی کردن این مسیر معمولاً خوشایند نبود؛ یکی به سبب ناامنی اطراف مسجد شجره (هدایت، ۱۳۸۹، ج ۷، ۴۰۸) و دیگری پول زیادی که اعراب این مسیر از زائران می‌گرفتند و باعث می‌شد برخی کاروان‌ها به سمت وادی عقیق و شمال غربی مدینه تغییر مسیر دهند. (بادکوبه‌ای، «سفرنامه مکه»، رمضان، ۱۳۹۱، ۱۳۳). در نتیجه از نزدیکی مزار حضرت حمزه (ع) عبور کرده و حجاج سوار بر مرکب به ایشان سلام می‌دادند. (ولی میرزا قاجار، ۱۳۸۹، ج ۱، ۵۱۵) برخی کاروان‌ها نیز هنگام خروج از مدینه این مسیر را برگزیده و زائران مجدد به سیدالشهدا عرض ارادت می‌کردند. (هدایت، ۱۳۸۹، ۴۱۱) گاهی نیز یک کاروان در مسیر رفت و برگشت از وادی عقیق و مجاور شهدا عبور می‌کرده است. (سید مرتضی، ۱۴۴۲، ج ۱، ۴۶-۴۷) اکنون سؤال اینجاست که آیا این اقبال مسلمان به احد و اهتمام آنها به زیارت حمزه (ع) آثار فرهنگی و اجتماعی نیز داشته است یا نه؟ این نوشتار درصدد بررسی این موضوع است و پیش‌فرض ما آن است که زیارت حضرت حمزه (ع) آثار فرهنگی اجتماعی متعددی بر جامعه

مدینه و مسلمانان داشته که آنها را در چهار محور بررسی خواهیم کرد. در مبحث اول بعد از مرور مختصر سیره پیامبر اعظم (ص) و چهرهای سرشناس صدر اسلام در زیارت ایشان، به استحباب آن از منظر فقههای فریقین اشاره کرده و آنگاه آداب زیارت حضرت حمزه (ع) و موانع پیش روی زائران را مرور خواهیم کرد و در محور دوم روز زیارتی حضرت حمزه (ع) در هفته و سال را بررسی می‌کنیم.

سومین مبحث این نوشتار بررسی جایگاه حضرت حمزه (ع) در باورهای اعتقادی مسلمانان است که به‌طور مشخص به مسأله تبرک، دعا و توسل در کنار مزار حضرت حمزه (ع) و طبخ و توزیع نذورات اختصاص دارد. محور چهارم نیز به رفتارهای اجتماعی مسلمانان مرتبط با مزار حضرت حمزه (ع) می‌پردازد که در آن از بنای مسجد بر مزار ایشان، بیتوته و سکونت در احد، برگزاری جشن‌های مفصل و باشکوه رجیبه در جوار حضرت حمزه (ع) و انتقال جنازه به احد سخن خواهیم گفت. مباحث مطرح‌شده در نهایت جمع‌بندی شده و سخن پایانی نیز در نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

پیشینه

تاریخ مدینه منوره همواره مورد توجه و اهتمام مسلمانان بوده و اندیشمندان بسیاری پیرامون آن قلم‌فرسایی کرده و تقریباً همه آنها به احد و مقابر شهدا نیز پرداخته‌اند که شاخص‌ترین‌شان عبارت‌اند از ابن شبه (د. ۲۶۲ ق.) (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰) ابن نجار (د. ۶۴۳ ق.) (ابن نجار، الدرّة الثمینة فی اخبار المدینة، ۲۰۰۶) آق شهیری (د. ۷۳۹ ق.) (آق‌شهیری، ۲۰۱۰) مطری (د. ۷۴۱ ق.) (مطری، ۱۴۲۶) ابن فرحون (د. ۷۶۹ ق.) ابن فرحون، ۱۴۲۷) مرجانی (د. ۷۸۱ ق.) مرجانی، مراغی (د. ۸۱۶ ق.) مراغی، ۱۴۳۰) فیروزآبادی (د. ۸۱۷ ق.) (فیروزآبادی، ۲۰۰۲) سخاوی (د. ۹۰۲ ق.) سخاوی، ۲۰۰۹ و سمهودی (د. ۹۱۱ ق.) (سمهودی، ۲۰۰۱) در دوران معاصر نیز افرادی در باب احد مطالبی را به رشته تحریر درآورده‌اند (المحمدی، ۱۳۷۱) که عموماً به تشریح غزوه احد، بیان اسامی شهدا و برخی مدفونان احد و مختصراً به توصیف مقبره حضرت حمزه (ع) پرداخته‌اند و فقط داده‌های برخی از ایشان به گوشه‌هایی از آثار فرهنگی اجتماعی این مقبره - آن‌هم به صورت پراکنده - اشاره دارد (نجمی، ۱۳۸۶) و هیچ‌کدام به بررسی یا تحلیل این آثار نپرداخته‌اند. سفرنامه نویسان نیز بسته به مدت حضورشان در مدینه و نحوه زیارت‌شان از حضرت

حمزه (ع)، بیشتر به توصیف ظاهری مقبره ایشان پرداخته‌اند، هرچند در مواردی معلومات خوبی پیرامون آداب و رسوم مرتبط با این زیارت نیز ارائه کرده‌اند. در حوزه مقالات نیز عموماً به تبیین ابعاد شخصیتی حضرت حمزه (ع) پرداخته شده (گل فشان، ۱۳۸۶، ۳۵-۱۲۵؛ خطاب، ۱۴۰۴، ۱۴۰۴-۲۸۵-۳۱۲) که خارج از بحث ماست. مقالات علمی هم که در آنها از احد سخن به میان آمده، به تحلیل برخی حوادث مرتبط با غزوات پیامبر (ص) پرداخته است (قائدان، ۱۳۹۷، ۷۵-۹۶؛ خاکرند و همکاران، ۱۳۹۹، ۷۷-۱۱۰) که باز با موضوع این نوشتار ارتباطی ندارد.

۱- مسلمانان و زیارت حضرت حمزه (ع)

زیارت قبور و مسائل مرتبط با آن همواره یکی از موضوعات بحث‌برانگیز جهان اسلام بوده است. طبق آنچه در مجامع روایی اهل سنت آمده پیامبر اعظم (ص) زیارت قبور را جایز دانستند (القزوینی، ۱۴۳۰، ج ۲، ۵۱۱) لذا برخی فقه‌های ایشان معتقدند روایات ناهی از زیارت قبور با این دسته از روایات نسخ شده و به آن‌ها عمل نمی‌شود. (ابن ماجه، ۱۴۳۰، ج ۵، ۳۵۹؛ الشربینی، ۱۴۱۵، ج ۲، ۲۷۵) شاید به همین دلیل است که مسلمانان برای حضور در جوار مزار حضرت حمزه (ع) همواره از تعبیر «زیارت» استفاده کرده‌اند. (نابلسی، ۱۹۹۸، ج ۳، ۲۲۰؛ عمرانی السرخینی، ۱۴۳۱، ۲۷۸)

زیارت حضرت حمزه (ع) توسط پیامبر اعظم (ص) و چهره‌های سرشناس اسلام، فتوا به استحباب این زیارت، آداب و رسوم مسلمانان برای زیارت ایشان و موانعی که با آن مواجه بوده‌اند، از مباحث این بخش است.

۱-۱. زیارت پیامبر اعظم (ص) و صحابه از احد

پیامبر اعظم هر سال به زیارت حضرت حمزه (ع) و شهدای احد می‌رفتند. (واقعی، بی-تا، ج ۳، ۳۱۳) روایتی از ایشان نقل شده که هرکس به زیارت‌شان برود اما حضرت حمزه (ع) را زیارت نکند در حق پیامبر جفا کرده است. (نوری، بی‌تا، ج ۱۰، ۱۹۸) طبق گزارش‌های تاریخی، صدیقه طاهره (س) در زمان حیات پیامبر اعظم، هر سال به همراه جمعی از بانوان مدینه، حضرت حمزه (ع) را زیارت می‌کردند (ابن حیون، بی‌تا، ج ۱، ۲۳۹) و بعد از رحلت پیامبر نیز هفته‌ای دو مرتبه به زیارت حضرت حمزه (ع) می‌رفتند. (ابن ابی الحدید، بی‌تا، ج ۱۵، ۴۰) سیره پیامبر اعظم سبب شده بود خلفای سه‌گانه نیز همواره به زیارت ایشان

بشتابند. (واقدی، بی تا، ج ۳، ۳۱۳) در روایات ائمه معصومین (ع) نیز به زیارت حضرت حمزه (ع) توصیه شده است. (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۹، ۲۷۳)

۲-۱. استحباب زیارت حمزه (ع)

در فقه شیعه زیارت قبور مستحب شمرده شده (بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۴، ۱۶۹) و نسبت به بقیع که مدفن چهار امام است، این استحباب مؤکد بوده و فقهای شیعه نیز بدان تصریح کرده‌اند. (حلی، ۱۴۰۵، ۲۳۲؛ علامه حلی، ۱۳۷۸، ج ۲، ۱۲۲) فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت نیز به استحباب زیارت بقیع فتوا داده‌اند که از آن میان می‌توان به ابن بلدجی (د. ۶۸۳ ق.) فقیه حنفی (ابن بلدجی، ۱۴۲۶، ج ۱، ۱۹۰) ابو حامد غزالی (د. ۵۰۵ ق.) (غزالی، بی تا، ج ۳، ۴۷۴) نووی (۶۷۶ ق.) (نووی، بی تا، ج ۸، ۲۷۵) و ابن حجر هیتمی (د. ۹۷۳ ق.) (هیتمی، ۱۴۳۴) از فقیهان شافعی، ابن فرحون (د. ۷۹۹ ق.) فقیه مالکی (ابن فرحون، ۱۴۲۳، ج ۲، ۷۷۶) و مجیر الدین علیمی (د. ۹۲۸ ق.) قاضی القضاة حنبلی قدس (ابو الیمن علیمی، بی تا، ج ۱، ۳۴۶) اشاره کرد.

در مورد زیارت حضرت حمزه (ع)، توجه و اهتمام پیامبر اعظم و چهره‌های شناخته شده صدر اسلام به زیارت ایشان (واقدی، بی تا، ج ۳، ۳۱۴) سبب شد تا جمعی از فقهای فریقین به استحباب زیارت حضرت حمزه (ع) نیز فتوا داده و معتقد باشند. زیارت شهدای احد را باید با زیارت حضرت حمزه (ع) آغاز کرد. (ابن ادريس، بی تا، ۶۵۳؛ ابن عساکر الدمشقي، بی تا، ۹۲؛ آقشهری، ۲۰۱۰، ج ۱، ۲۶۵؛ هیتمی، ۱۴۳۴، ۲۰۵) ابن ادريس حلی (د. ۵۹۸ ق.)، (ابن ادريس، بی تا، ۶۵۳) علامه حلی (د. ۷۲۶ ق.)، (علامه حلی، ۱۳۷۸، ج ۲، ۱۱۹) فقحانی (د. ۸۵۵ ق.) (فقحانی، بی تا، ۹۳) و شهید ثانی (د. ۹۶۶ ق.) (شهید ثانی، بی تا، ۴۶۶) از فقهای شیعه و ابن بلدجی (د. ۶۸۳ ق.)، (ابن بلدجی، ۱۴۲۶، ج ۱، ۱۹۰) ابن عساکر (د. ۶۸۶ ق.)، (ابن عساکر، بی تا، ۹۲) آق شهری (د. ۷۳۹ ق.) (آقشهری، ۲۰۱۰، ج ۱، ۲۶۵) و ابن حجر هیتمی (هیتمی، ۲۰۵) از آن دسته فقهای اهل سنت هستند که به استحباب زیارت حضرت حمزه (ع) فتوا داده‌اند.

۳-۱. آداب زیارت حضرت حمزه (ع)

زیارت حضرت حمزه (ع) از صدر اسلام با سنت‌ها و اعتقاداتی همراه بوده که برخی از آنها تاکنون نیز باقی است. مرور مختصر این آداب و رسوم نشان‌دهنده اقتدای مسلمانان به پیامبر

اعظم در تکریم حضرت حمزه (ع) و جایگاه خاص او نزد مسلمانان است.

گریستن برای حمزه (ع) سید الشهداء در هر مصیبتی

با بازگشت مسلمانان به مدینه-پس از جنگ احد- از هر کوی و برزن صدای ناله و شیون به گوش می‌رسید، پیامبر اعظم با مشاهده این منظره، ضمن یاد کردن از عموی شهیدشان فرمودند «امروز حمزه (ع) گریه‌کنی ندارد». انصار با شنیدن این سخن به همسران‌شان دستور دادند ابتدا بر حمزه (ع) سیدالشهدا بگریند و بعد برای شهدای‌شان ندبه کنند. (بالادری، بی-تا، ج ۴، ۲۸۹؛ واقدی، بی‌تا، ج ۱، ۳۱۵) به دلیل جایگاه حضرت حمزه (ع) نزد مدنیان، این کار به یکی از آداب و رسوم ایشان تبدیل شد به گونه‌ای که اهل مدینه در هر مصیبتی ابتدا برای حمزه (ع) سید الشهداء و بعد برای میت‌شان سوگواری می‌کردند. (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۱، ۵۳۰؛ مدنی، ۱۴۱۷، ۱۸۸)

سلام کردن به شهدای احد و شنیدن پاسخ آن

سلام کردن به مدفونان مقابر یکی از سنت‌های زیارت اهل قبور است. پیامبر اعظم در هنگام زیارت حمزه (ع) و شهدای احد وقتی به ابتدای وادی می‌رسیدند با صدای رسا می‌فرمودند «سلام‌علیکم بما صبرتم فنعیم عقی الدار». ایشان دریکی از این زیارت‌ها قسم یادکردند «تا روز قیامت هرکس به اینان سلام دهد به او پاسخ خواهند داد». (واقدی، بی‌تا، ج ۱، ۳۱۳) مدنیان با ایمان به این روایت، معتقدند مسلمانان بر حسب ظرفیت وجودی‌شان می‌توانند این پاسخ را بشنوند (مدنی، ۱۴۱۷، ۱۸۶) که ما به سه مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

فاطمه خزاعیه می‌گوید با خواهرم به زیارت شهدا رفته بودیم که غروب شد. در این هنگام غیر از ما شخص دیگری در وادی نبود به او گفتم بیا به حمزه (ع) سلام داده و برگردیم. مقابل قبر حمزه (ع) ایستادیم و گفتیم «السلام علیک یا عم رسول‌الله». ناگاه صدایی شنیدیم که گفت «و علیکما السلام و رحمة الله!» (واقدی، بی‌تا، ج ۱، ۳۱۴)

خاله عطف بن خالد که زنی عابده (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ۳۲۳) و زائر همیشگی حمزه (ع) بوده می‌گوید: روزی به همراه غلامم به مزار حمزه (ع) رفتم درحالی‌که غیر از ما شخص دیگری در آنجا نبود. بعد از آنکه مفصل نماز خواندم با دست به مزار اشاره کرده و گفتم «السلام علیکم». سپس صدایی از داخل زمین ضمن جواب سلام گفت: ما شمارا به خوبی می‌شناسیم. من که از ترس بدنم به لرزه افتاده بود به غلامم گفتم الاغ را بیاور تا برگردیم.

(بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۳، ۳۰۷)

حمزه (ع) بن محمد یکی از نوادگان امیرالمؤمنین (ع) می‌گوید: در بین الطلوعین یک صبح جمعه درحالی‌که پشت سر پدرم حرکت می‌کردم، به احد رفتم. وقتی به مقابر رسیدیم او با صدای بلند گفت «سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار». ناگاه صدایی پاسخ داد «و علیک السلام یا ابا عبد الله!» پدرم گفت تو جواب دادی؟ گفتم خیر. آنگاه دستم را گرفت و مرا به سمت راستش آورد و مجدد به شهدا سلام داد و دوباره صدایی سلامش را پاسخ داد و این کار سه مرتبه تکرار شد. پدرم سجده شکر به‌جا آورد و برگشتیم. (همان)

خواندن فاتحه و سوره‌های قرآن در کنار مزار حمزه (ع)

یکی دیگر از آداب زیارت قبور، خواندن فاتحه است که در مورد حضرت حمزه (ع) گزارش شده. (نابلسی، ۱۹۹۸، ج ۳، ۲۴۸) تلاوت سوره‌هایی از قرآن و اهدای ثواب آن به متوفی نیز از آداب زیارت قبور است. در برخی کتب فقهی اهل سنت در باب زیارت شهدای احد آمده آیه الکرسی، سوره اخلاص (۱۱ مرتبه) و سوره یس خوانده شده و ثواب آن به همه شهدا و کسانی که در مجاورت ایشان آرمیده‌اند اهدا شود. (الشربلالی، ۱۴۲۵، ۲۸۵) برخی زائران نیز آنچه از قرآن مقدورشان بوده تلاوت کرده و به ایشان اهدا می‌کردند. به‌عنوان مثال زائری سوره محمد و فتح را تلاوت کرده است. (معتمد الدوله، ۱۳۸۹، ج ۳، ۲۰۰)

زیارت‌نامه حضرت حمزه (ع)

یکی از آداب زیارت مزار بزرگان، قرائت زیارت‌نامه است که در مورد حضرت حمزه (ع) نیز چنین ادبی مراعات می‌شده. مسلمانان وقتی به زیارت حضرت حمزه (ع) می‌رفتند برای ایشان زیارت‌نامه می‌خواندند (تکابی، ۱۳۸۹، ج ۶، ۷۷؛ امین الدوله، ۱۳۸۹، ۵۳۲) که در منابع شیعی (ابن قولویه، بی تا، ۲۲؛ ابن براج، بی تا، ۲۸۰) و اهل سنت (آقشهری، ۲۰۱۰، ج ۱، ۲۷۳) به این زیارت‌نامه اشاره شده است. قابل توجه آنکه به سفارش ائمه (ع) باید برای حمزه (ع) سید الشهداء نماز زیارت اقامه شود که نشان‌دهنده مکانت ایشان نزد حضرات معصومین (ع) است. (ابن قولویه، بی تا، ۹۵)

زیارت همراه با راهنما

از سنت‌های رایج مسلمانان در زیارت مدینه، استفاده از راهنما و دلیل است که تاکنون ادامه دارد. زیارت حضرت حمزه (ع) نیز از این قاعده مستثنا نبوده و زائران معمولاً همراه با

دلیل یا راهنما ایشان را زیارت می‌کردند. (تکابی، ۱۳۸۹، ۷۷)

زیارت بانوان از شهدای احد

آنچه تاکنون بیان کردیم حکایت از آن دارد که از صدر اسلام تاکنون، بانوان به صورت فردی -صدیقه طاهره(س)- یا جمعی -همراه با صدیقه طاهره(س)- یا همراه با غلامان یا بستگان شان -خاله عطفاف، فاطمه خزاعیه و...- یا همراه با هم‌سفران شان به احد رفته (علویه کرمانی، ۱۳۸۶، ۷۵۱) و حضرت حمزه(ع) و سایر شهدای احد را زیارت می‌کردند.

۴-۱. موانع زیارت حضرت حمزه(ع)

علاقه و اعتقاد مسلمانان به زیارت حضرت حمزه(ع) به گونه‌ای بوده که همه مشکلات و سختی‌های پیش رو را به جان می‌خریدند اما گاهی این مشکلات آنها را از زیارت بازمی‌داشته که نمونه‌هایی از آن را برمی‌شماریم.

در برهه‌هایی از تاریخ، سیل‌های عظیم وادی‌های اطراف مدینه، مانع زیارت حضرت حمزه(ع) می‌شده است. به عنوان نمونه در سال ۷۳۴ ق. سیل عظیمی که در شمال مدینه جاری شده به مدت چهار ماه مردم را از زیارت ایشان محروم می‌کند. (علی بن موسی، بی‌تا، ۱۴۶) سیل سال ۱۳۲۸ ق. نیز مدتی مانع زیارت حضرت حمزه(ع) می‌شود. (لیبب البتونونی، بی‌تا، ۴۱۳)

از آنجاکه احد خارج از شهر بوده، در قرن‌های یازده تا چهارده، گاهی به دلیل نا امنی در خارج از شهر، زیارت حضرت حمزه(ع) با دشواری همراه می‌شده؛ به گونه‌ای که به تنهایی امکان تشریف وجود نداشته و زائران حتماً می‌بایست به صورت دسته‌جمعی عزیمت می‌کردند. (شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۵، ۴۸۵) گاهی نیز نا امنی مسیر و منطقه احد به حدی بوده که باوجود درگیرهای شدید نیروهای نظامی، امنیت برقرار نشده و جمعی از حجاج توفیق زیارت حضرت حمزه(ع) را به دست نمی‌آورند. (منشی زاده، ۱۳۸۹، ج ۸، ۴۷؛ هدایتی، ۱۳۸۹، ج ۸، ۶۹۸)

در گزارشی به سال ۱۲۱۱ ق. آمده که پیش از این تاریخ به دلیل نا امنی مسیر، امکان زیارت حضرت حمزه(ع) وجود نداشته و اخیراً این مشکل برطرف شده است. (یحیی بن مطهر، ۲۰۰۶، ۱۷۸) در برهه‌ای نیز شرایط به گونه‌ای بوده که افراد برای زیارت حضرت

حمزه (ع) با سلاح سرد و گرم به احد می‌رفتند. (برتون، بی‌تا، ج ۲، ۱۲۵) این شرایط باعث شد دولت عثمانی در موسم حج، برای برقراری امنیت حجاج، نیروهای نظامی در مسیر مستقر نماید تا ایشان را از شر گزند دزدان حفظ نماید. (امین الدوله، ۱۳۸۹، ۵۳۲) با وجود این، گفته شده اگر حاجی اندک غفلتی می‌کرد جان و مالش به خطر می‌افتاد. (فراهانی، ۱۳۶۲، ۲۳۶)

سومین مانع از این زیارت بسته بودن قبه حضرت حمزه (ع) بوده است؛ به‌گونه‌ای که حجاجی که با دشواری فراوان خود را به احد می‌رساندند، گاهی با در بسته بقیعه مواجه می‌شدند، از این رو بیرون بقیعه، روبروی مزار حضرت حمزه (ع) ایستاده و ایشان را زیارت می‌کردند. (برتون، بی‌تا، ج ۲، ۱۳۱)

۵-۱. روز زیارتی حضرت حمزه (ع)

بررسی سیره اهل مدینه در طول تاریخ اسلام نشان می‌دهد ایشان زمان خاصی در هفته و سال را برای زیارت حمزه (ع) اختصاص داده بودند که به آن اشاره می‌شود. گفتنی است در موسم حج به خاطر حضور حجاج، غیر از پنجشنبه نیز زیارت ایشان میسر و برقرار بوده است. (امین الدوله، ۱۳۸۹، ۵۳۲)

پنجشنبه

طبق روایتی در منابع اهل سنت اموات در روز جمعه و یک روز قبل و بعد از آن، کسانی را که به دیدارشان می‌روند می‌شناسند (البیهقی، ۱۴۲۴، ج ۱۱، ۴۷۵) لذا این سه روز بهترین زمان برای زیارت قبور است؛ اما از آنجاکه پیامبر اعظم شنبه‌ها به قبا می‌رفتند (همان، ج ۵، ۴۰۸) گفته شده مستحب است شنبه به قبا اختصاص یابد (خوارزمی، بی‌تا، ج ۲، ۳۵۴) و مسلمانان نیز چنین کردند (هیتمی، ۱۴۳۴، ۲۰۶؛ حسینی مدنی، ۱۴۱۷، ۱۸۷؛ ورثیلانی، بی‌تا، ج ۲، ۵۵۳) بنابراین بین پنجشنبه و جمعه می‌بایست یکی را به بقیع و دیگری را به احد اختصاص داد. از آنجاکه اهل سنت به نماز جمعه مقیدند و با توجه به زمان زیادی که رفت و برگشت به احد نیاز دارد، برای جمع بین این دو، روز پنجشنبه را به زیارت حضرت حمزه (ع) و جمعه را به زیارت بقیع اختصاص می‌دهند. شاید ابن عساکر (د. ۶۸۶ ق.) و ابن حجر هیتمی (د. ۹۷۳ ق.) نیز به همین دلیل روز پنجشنبه را مخصوص زیارت حضرت حمزه (ع) دانسته‌اند. (ابن کثیر الدمشقی، بی‌تا، ۹۲؛ هیتمی، ۱۴۳۴، ۲۰۶) و مسلمانان هم بر اساس همین آموزه‌ها، همواره عصر پنجشنبه به زیارت حمزه (ع) مشرف می‌شده‌اند.

(پاشا، ۱۹۹۹، الف، ۳۸۸؛ پاشا، ۱۹۹۹؛ عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۱، ۳۹۶؛ ورثیلانی، بی تا، ج ۲، ۵۵۳ و ج ۴، ۹۶۷؛ تکابی، ۱۳۸۹، ۷۷) جالب است بدانیم بقعه حضرت حمزه (ع) همیشه باز نبوده (یحیی بن مطهر ۲۰۰۶، ۱۷۸) و کلیدداران بقعه نیز از اوایل قرن هفت (ابن نجار، بی تا، ۷۳) به بعد تنها پنجشنبه آن را بر روی زائران می گشودند. (عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۱، ۳۹۷؛ ورثیلانی، بی تا، ج ۲، ۵۵۴)

نیمه سوال

طبق برخی گزارش ها همه اهالی مدینه در سالروز شهادت حضرت حمزه (ع) به زیارت ایشان می رفتند. (کرناتکی، ۱۳۸۹، ج ۱، ۴۲۶-۴۲۵؛ مهندس، ۱۳۸۹، ۵۲۶)

آخرین پنجشنبه جمادی الثانیه

در قرن یازدهم جمع زیادی از اهالی مدینه در آخرین پنجشنبه این ماه که به «خمیس الفتح» مشهور بوده به زیارت حضرت حمزه (ع) مشرف می شدند. (حسینی مدنی، ۱۴۱۷، ۲۲۱)

زیارت رجبیه

مهم ترین و مفصل ترین زیارت های حضرت حمزه (ع) زیارت رجبیه بوده که از اقاصا نقاط حجاز بدین منظور به مدینه می آمدند. در مبحث «رفتارهای اجتماعی مردم در ارتباط با مزار حضرت حمزه (ع)» پیرامون آن سخن خواهیم گفت.

۲- جایگاه حضرت حمزه (ع) در باورهای اعتقادی مسلمانان

حضرت حمزه (ع) آن چنان در نظر مسلمان شریف و بزرگ است که نه تنها زیارت او را مستحب و مهم می دانند بلکه جایگاه خاصی در باورهای اعتقادی ایشان دارد. تبرک، توسل، دعا و طبخ و توزیع نذورات چهار باور اعتقادی مهم هستند که آثار ملموسی در رفتار مردم داشته اند و در طول تاریخ در کنار مزار حمزه (ع) گزارش شده است که ما نمونه هایی از آن را ذکر می کنیم.

۱-۲. تبرک

تبرک جستن از قبور اولیا و بزرگان یکی از آموزه های بحث انگیز کلامی است. برکت گرفتن از تربت بزرگان آرمیده در مدینه که موضوعی سابقه دار است، در مزار حضرت

حمزه (ع) متجلی شده است؛ به گونه‌ای که امری مقبول و مرسوم شمرده شده و به سه شکل، صورت می‌پذیرفته که ما به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

تبرک به تربت حمزه (ع)

تبرک به تربت حضرت حمزه (ع) در مدینه، سنتی بسیار قدیمی که در طول تاریخ اسلام مستمراً وجود داشته و معمولاً آن را به نیت شفا با خود می‌بردند. اولین مورد از این تبرک کمی بعد از شهادت حمزه (ع) و توسط صدیقه طاهره (س) گزارش شده (ابن مشهدی، ۱۳۷۸، ۳۶۷) از برخی گزارش‌های مربوط به قرن دوم برمی‌آید که در آن ایام تبرک به تربت حمزه (ع) رواج داشته است. (مفید، بی تا، ۱۵۱) ابن جبیر در سال ۵۸۰ ق. گفته مردم مدینه به تربت حضرت حمزه (ع) تبرک می‌جویند. (ابن جبیر، ۲۰۰۸، ۱۵۴) سخاوی (د. ۹۰۲ ق.) نیز (سخاوی، ۲۰۰۹، ج ۲، ۳۸۳) و سمهودی (د. ۹۱۱ ق.) (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۱، ۲۳) نیز چنین گزارش‌هایی ارائه کرده‌اند که نشان از استمرار این موضوع دارد به طوری که در سال ۱۰۷۲ ق. (عیاشی، ۲۰۰۶، ۱، ۴۰۱) و ۱۱۷۰ ق. نیز گزارش شده مردم تربت حضرت حمزه (ع) را به نیت شفا می‌برند. (شرقی الفاسی، ۲۰۱۴، ۴۹۴)

هرچند علمای مذاهب مختلف تسنن، بردن خاک حرم را جایز ندانسته (وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیة، ۱۷، ۱۹۵) و حرم مدینه را به حرم مکه ملحق می‌کنند، (همان، ۳۶، ۳۱۰) اما سمهودی گفته زرکشی (د. ۷۹۴ ق.) -فقیه شافعی- تربت حضرت حمزه (ع) را از این موضوع مستثنا می‌داند چراکه به تعبیر ایشان خلف و سلف، تربت حضرت حمزه (ع) را برای مداوای سردرد با خود می‌بردند و گزارش‌هایی از شفای بیماران با این تربت وجود دارد. (سمهودی، ۲۰۰۱، ۱، ۱۵۵) هرچند کلام زرکشی را نیافتیم (زرکشی، ۱۴۲۰) اما سید کبریت حسینی (د. ۱۰۷۰ ق.) (حسینی مدنی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۴۹۷) و عیاشی نیز در سفر حج سال ۱۰۷۲ ق. آن را نقل کرده‌اند. (عیاشی، ۲۰۰۶، ۱، ۴۰۱)

تبرک به مزار حمزه (ع)

نوع دوم، تبرک جستن به مزار حضرت حمزه (ع) است که در میان مسلمانان جریان داشته است. (سخاوی، ۲۰۰۹، ج ۲، ۳۸۴) بر طبق اقوال، زائری ایرانی صورت خویش را به ضریح حضرت حمزه (ع) متبرک کرده (معمد الدوله، ۱۳۸۹، ۲۰۰) و دیگری سنگی را که گفته می‌شد بر دندان مبارک پیامبر قرار دارد لمس کرده و بوسیده است. (ابن خیرات علی،

(۱۳۸۹، ج ۲، ۷۱۹)

ساخت تسبیح

صدیقه طاهره (س) اولین کسی است که از تربت حمزه (ع) سیدالشهدا تسبیح ساخت و مردم نیز بدان اقبال کردند. از برخی گزارش‌های تاریخی برمی‌آید که این سنت تا نیمه قرن دوم وجود داشته تا اینکه با تشویق و تأیید امام صادق (ع) شیعیان به تربت امام حسین (ع) اقبال کردند (مفید، بی‌تا، ۱۵۰-۱۵۱) و به مرور ساخت تسبیح با تربت حمزه (ع) فراموش شد.

۲-۲. توسل

توسل نیز یکی دیگر از آموزه‌های پرمجاذله کلامی است. توسل به حضرت حمزه (ع) به صورت خیلی شفاف و روشن و به سه شکل در میان مسلمانان و اهل مدینه وجود داشته است. گاهی برخی افراد به واسطه حضرت حمزه (ع) به پیامبر متوسل می‌شدند. (عمرانی السرخینی، ۱۴۳۱، ۲۷۸) برخی ایشان را واسطه می‌کردند تا خداوند گناهان‌شان را بخشیده و در دنیا و آخرت سعادت‌مند گرداند. (برتون، بی‌تا، ج ۲، ۱۲۸) در گزارشی نیز آمده یکی از اهل مدینه که بچه‌دار نمی‌شد تصمیم می‌گیرد به زیارت حمزه (ع) مشرف شده و در آنجا میان فقرا صدقه تقسیم کند. پس از این کار خداوند فرزندى به او عطا می‌کند. (رتز، ۱۴۳۳، ج ۲، ۶۳۵-۶۴۲)

۲-۳. دعا و اقامه نماز

دعا کردن در کنار قبور اولیا و بزرگان یکی از سنت‌های دیرپای مسلمین است که نوعی توسل به حساب می‌آید. اولین گزارش در خصوص دعا در کنار مزار حضرت حمزه (ع) مربوط به صدیقه طاهره (س) است که بعد از رحلت پیامبر اعظم، هفته‌ای دومرتبه به زیارت ایشان رفته و به دعا و استغفار می‌پرداختند. (ابن حیون، بی‌تا، ج ۱، ۲۳۹) این سنت بعدها نیز در میان مسلمانان برقرار بوده و در جوار حمزه (ع) سیدالشهدا برای خویش، فرزندان، بستگان و دوستانشان دعا می‌کردند. (نابلسی، ۱۹۹۸، ج ۳، ۲۲۲ و ۲۳۱) جالب است بدانیم در قبة الثنایا که منسوب به دندان‌های شریف نبوی است برخی مسلمانان دعا می‌خواندند. (تکابی، ۱۳۸۹، ۷۸)

دعا کردن در جوار حضرت حمزه (ع) معمولاً همراه با اقامه نماز بوده است. اولین گزارش اقامه نماز در جوار مزار ایشان مربوط به صدیقه طاهره است (ابن نجار، بی‌تا، ۲۱۱) که پس از ایشان نیز گزارش شده است. (بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۳، ۳۰۷) البته شیعیان نیز به توصیه ائمه،

۲. مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال نهم، شماره ۲۰، زمستان ۱۴۰۰

نماز زیارت نیز برای حمزه (ع) اقامه می‌کردند.

۲-۴. طبخ و توزیع نذری

نوع دیگری از توسل به اولیای خدا طبخ و توزیع نذری به جهت برآورده شدن حاجات است که این نوع در مورد حضرت حمزه (ع) مکرراً در تاریخ گزارش شده. هرچند این کار عمدتاً در موسم زیارت رجبیه انجام می‌پذیرد - که بدان اشاره خواهیم کرد - اما برخی گزارش‌های دیگر حکایت دارد مردم مدینه در غیراز این موسم نیز برای برآورده شدن حوائج خویش به این کار اقدام می‌کردند (رتز، ۱۴۳۳، ج ۲، ۶۳۵-۶۴۲) هرچند بعدها باروی کار آمدن وهابیت همه این اعمال ممنوع گردید. (خیاری، ۱۴۱۹، ۱۹۰)

۳. رفتارهای اجتماعی مسلمانان در ارتباط با مزار حضرت حمزه (ع)

نوع اعتقاد مسلمانان و اهل مدینه نسبت به حضرت حمزه (ع) سبب شده است تا از ایشان، رفتارهای اجتماعی خاصی در ارتباط با این مزار رخ بنماید. در ادامه تلاش می‌کنیم گوشه‌ای از این رفتارهای اجتماعی را به تصویر بکشیم.

۳-۱. بنای مسجد بر مزار حضرت حمزه (ع)

ساخت مسجد بر روی قبور یا در کنار آن از اقدامات پرمجاده مسلمانان است که در طول تاریخ اسلام همواره رخ داده. بنای مسجد بر مزار فاطمه بنت اسد در بقیع - که بعدها به بیت‌الحزن تغییر نام می‌دهد - یکی از آن موارد است. در نیمه قرن سوم نیز ساخت مسجد بر روی مزار حضرت حمزه (ع) گزارش شده. (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ۱۲۶) نکته حائز اهمیت در خصوص این مسجد گزارش متواتر آن در طول تاریخ است (ابن جبیر، ۲۰۰۸، ۱۵۴؛ پاشا، ۱۹۹۹، الف، ۳۸۸؛ سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ۳۲۶؛ کرمی، بی‌تا، ۸۲؛ الحویزی الموسوی، ۱۴۴۲، ج ۱، ۹۱) که نشان می‌دهد این مسجد قرن‌های متمادی بر مزار حضرت حمزه (ع) برپا بوده و آن مکان را بدان مسجد می‌شناختند تا اینکه وهابیت آن را تخریب کرد. (خیاری، ۱۴۱۹، ۱۹۰)

۳-۲. بیتوته و سکونت در احد

بیتوته در مجاورت مزار حضرت حمزه (ع) یکی دیگر از آداب اهل مدینه است. اولین

مورد بیتوته را ابن فرحون (د. ۷۴۹ ق.) گزارش کرده. در آن زمان هنگام بارش باران در احد، همه اهل شهر اعم از علما، طلاب، متصوفه، مردم عادی، خدام و مؤذنین مسجدالنبی، فقیر و غنی به احد می‌رفتند و جز افراد ناتوان کسی در مدینه نمی‌ماند. هرکسی به قدر وسع خویش غذایی می‌برد، اما خدام حرم انواع غذاها و شیرینی‌جات را برده و در جایگاه‌های مخصوصی که بالای کوه تعبیه شده بود قرار می‌دادند.

ایشان در شبی که برای شان معادل هزار شب بود در قبه حضرت حمزه (ع) به نماز و دعا و عبادت مشغول می‌شدند. بعد از نماز صبح، گروه‌گروه به جایگاه‌های مخصوص غذا رفته و پس از تناول، با حضور در مساجد آنجا، دسته‌جمعی به قرائت قرآن و دعا پرداخته و [عصر یا شب] به مدینه بازمی‌گشتند. (ابن فرحون، ۱۴۲۷، ۱۲۶-۱۲۷)

تا نیمه اول قرن یازدهم و برگزاری موسم رجبیه، دیگر موردی از بیتوته نیافتیم؛ اما پس از آن خوابیدن در احد به مناسبت‌های مختلف مرسوم می‌شود. به‌عنوان نمونه شریف احمد بن زید که امارت مکه را در اختیار داشته (حک ۱۰۹۹ - ۱۰۸۳ ق.) در نیمه شوال ۱۰۹۷ ق؛ که مصادف با ایام زیارتی حضرت حمزه (ع) بوده است، در احد بیتوته کرده و صبح روز بعد به مدینه مشرف می‌شود. (سنجاری، بی‌تا، ج ۵، ۲۰) در گزارشی به سال ۱۱۲۱ ق. آمده که برخی حجاج درجایی به نام «فوق الحره» بین مدینه و احد که به احد نزدیک‌تر بوده ساکن می‌شوند. (سید مرتضی، ۱۴۴۲، ج ۱، ۵۶)

به نظر می‌رسد استمرار موسم رجبیه و بیتوته مردم در این ایام، به‌مرور سبب شد برخی مدنیان در احد ساکن شوند. برحسب تتبع ما اولین بار در گزارشی مربوط به سال ۱۲۶۹ ق. آمده در احد خانه‌های بزرگی وجود داشته که با آجر قرمز بنا شده و به ثروتمندان و شخصیت‌های دینی مدینه تعلق داشته، ولی در آن زمان مخروبه بوده است. صاحبان این خانه‌ها به دلیل لطافت هوای احد و نیز به جهت سیاحت و زیارت در کنار مزار حضرت حمزه (ع) در این خانه‌ها سکنی می‌گزیدند. (برتون، بی‌تا، ج ۲، ۱۲۹) وجود این منازل در سال ۱۲۷۷ ق. نیز گزارش شده است. (پاشا، ۱۹۹۹، ۴۸) به نظر می‌رسد بعدها این خانه‌ها بازسازی و احیا می‌شود، چه آنکه طبق گزارشی در سال ۱۳۰۳ ق. از این منازل در ایام بهار و موسم رجبیه نیز استفاده می‌شده است. (علی بن موسی، بی‌تا، ۱۵) بعدها بر روی جبل الرماة یا همان جبل عینین خانه‌های متعددی ساخته می‌شود که امکان صعود به آن وجود نداشته. وجود این خانه‌ها تا اواخر قرن چهاردهم گزارش شده (نجفی، ۱۳۸۶، ج ۲، ۱۹۱-)

۱۹۲) اما بعدها وهابیان همگی را تخریب می‌کنند؛ بنابراین، بیتوته در جوار حضرت حمزه (ع) حداقل از قرن هشت تا اواخر قرن چهارده رواج داشته است.

۳-۳. برگزاری جشن‌های ماه رجب در کنار مزار حضرت حمزه (ع)

عمره و زیارت رجبیه از آداب و عادات خاص حجازی‌ها در ماه رجب بوده. ابن جبیر، عمره رجبیه سال ۵۸۰ ق. را غیرقابل توصیف خوانده (ابن جبیر، ۲۰۰۸، ۱۰۵-۱۰۸) و ابن بطوطه در نیمه قرن هشت توصیفات مفصّلی از عادات و عمره رجبیه مکیان ارائه کرده است. (ابن بطوطه، ۱۴۱۷، ج ۱، ۳۹۹-۴۰۲) اهل حجاز برای زیارت رجبیه پیامبر (ص) و حضرت حمزه (ع) از مکه، یمن، طائف، نجد و ... به مدینه می‌رفتند و روزی نبود که قافله‌ای از مکه و اطراف آن وارد مدینه نشود. (عیاشی، ۲۰۰۶، ۱، ۴۶۵) کمیت و کیفیت زیارت رجبیه حضرت حمزه (ع) به‌گونه‌ای بوده که آن را همانند موسم منا در حج توصیف کرده‌اند. (نابلسی، ۱۹۹۸، ج ۳، ۲۳۲) مکیان در این ایام کاروان بزرگی داشتند که به «رجبیه» مشهور بود و اهالی توانگر مکه را برای زیارت مزار پیامبر به مدینه می‌برد. ایشان حضور در این مراسم را حداقل یک‌بار در طول عمر، برای خویش واجب می‌دانستند. (بیرم خامس، بی‌تا، ج ۲، ۳۲۶) این کاروان با بدرقه اهالی از منطقه نواریه در شمال مکه که مدفن ام‌المومنین میمونه است به سمت مدینه حرکت می‌کرد (الحربی المدنی، ۱۴۳۰، ۴۷) و به شکلی زیبا و باشکوه از منطقه عنبریه وارد مدینه می‌شد و اهالی در باب‌السلام از آنها استقبال می‌کردند. (صالح مرشد، ۱۴۱۳، ۱۸۶)

اما اهل مدینه نیز در ماه رجب آداب خاص خود را داشتند که از آیین‌های خاص و مهم ایشان بوده؛ به‌گونه‌ای که در آستانه حلول ماه رجب، جنب‌وجوش خاصی در شهر به وجود می‌آمد، گویی شهر به حالت آماده‌باش درآمده و همه مردم از کوچک و بزرگ به احد می‌رفتند و خیمه‌ها و مغازه‌ها را برپا می‌کردند. در این هنگام زائران و کاروان‌های متعددی از اطراف و اکناف برای حضور در مراسم به مدینه می‌آمدند. (الحربی المدنی، ۱۴۳۰، ۴۷) حضور در این مراسم آن‌چنان مهم بوده که گفته‌شده برخی تشکیک‌کنندگان در آن، در مکاشفه‌ای دیده‌اند که پیامبر اعظم هم در این ایام به احد می‌روند. (نابلسی، ۱۹۹۸، ج ۳، ۲۴۸؛ هندی کرناطکی، ۱۳۸۶، ۱۵۵) برحسب تتبع ما سید کبریت حسینی (د. ۱۰۷۰ ق.) اولین کسی است که پیش از سال

۱۰۴۹ ق. این رسوم را گزارش کرده. پس از او عیاشی در سال ۱۰۷۲ ق. توصیف جامع‌تری از این مراسم ارائه کرده که نشان می‌دهد شکل این مراسم در طول قرن یازدهم یکسان بوده و تنها تغییر در آن گسترش یافتن بازار احد در زمان عیاشی است.

بر اساس گزارش‌های موجود در اولین شب جمعه ماه رجب در زاویه یکی از مشایخ متصوفه مجلس مولودی‌خوانی برپا می‌شده و کسانی که لیلۃ الرغائب را مأثور می‌دانستند اعمال آن را به‌جا می‌آورده‌اند. (حسینی مدنی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۲۲۱) اهل مدینه به‌جز افراد معذور، از روزهای پنجم و ششم ماه به احد می‌رفتند و امنیت طول مسیر و منطقه احد توسط نیروهای نظامی تأمین می‌گردید. (عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۱، ۴۶۵) گاهی ناامنی اطراف احد در موسم رجبیه تنها با درگیری و مداخله نیروهای نظامی برطرف می‌شد که ضرورت حضور نیروهای نظامی در برنامه را مضاعف می‌کرد. (عبدالغنی، بی‌تا، ۳۵۵)

مراسم کنار مزار حضرت حمزه (ع)، همانند موسم حج، با حضور جمع زیادی از مردم برگزار می‌شد. اهل مدینه به‌اتفاق همسران و فرزندان‌شان، به همراه بزرگان، امیران و نیروهای نظامی، هرکدام به‌اندازه توان و مکنث خویش، درحالی‌که شمشیرهای زیبا و چادرهای بزرگی با خود داشتند در این مراسم حضور می‌یافتند. خروج مردم از مدینه در روز دوازدهم که «یوم المشهود» و «یوم الزینة» مدینه است به اوج خود می‌رسید. در مدت برگزاری مراسم، بازار بزرگ و انواع لپو، طرب، بازی، شلیک توپ و آتش‌بازی در احد برقرار بود. (عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۱، ۳۹۷)

در شب دوازدهم که مخصوص زیارت حضرت حمزه (ع) بود، اهل مدینه اجتماع بزرگ و مشهوری را در کنار مزار او برگزار کرده و تا صبح به تلاوت قرآن می‌پرداختند؛ (حسینی مدنی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۲۲۱) شمع‌های فراوانی در اطراف مزار حمزه (ع) روشن می‌شد و مردم شب و روز دوازدهم را به قرائت قرآن و زیارت حمزه (ع) سپری می‌کردند، به‌گونه‌ای که تلاوت قرآن برای لحظه‌ای قطع نمی‌شد. (عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۱، ۳۹۷) اهل علم نیز با برپایی جشن در نقاط مختلفی از وادی، مولودی پیامبر اعظم (ص) را می‌خواندند. این اجتماع در مدینه نظیر نداشت. (حسینی مدنی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۲۲۱)

روز دوازدهم مردم از احد باز می‌گشتند. (عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۱، ۴۶۵) روز شانزدهم در

^۱ این کتاب به سلطان مراد چهارم اهدا شده و چون وی در سال ۱۰۴۹ ق. وفات یافته، بنابراین سید کبریت کتاب را پیش از این تاریخ نگاشته است.

مسجد علی بن ابی طالب (ع) - در جوار مسجد الفتح - مولودی خوانده می‌شد و در روز بیست و پنجم کاروان اهل مکه از راه می‌رسید (همان) و پس از آن منتظر می‌ماندند تا شب بیست و هفتم (شب معراج) که همان رجبیه است فرابرسد. جمعیت زیادی برای این برپایی مراسم به مدینه می‌آمد و روزی نبود که در آن به تعدادشان افزوده نشود. در این مدت بازار بزرگی در شهر برپا و مسجد و اطراف آن مملو از جمعیت می‌شد. شب بیست و هفتم جمعیت به اوج خود می‌رسید؛ به‌گونه‌ای که اگر کسی پیش از عصر وارد مسجدالنبی نمی‌شد، به‌ندرت ممکن بود بتواند برای نماز مغرب و عشاء جایی پیدا کند. در این شب، مسجد مملو از جمعیت و درهای آن تا صبح باز بود. صبحگاهان زائران شروع به دعا کرده و صدای ناله و شیون آنان مانند ناله شتران بلند می‌شد و فریادهای ایشان که با صدای بلند به دعا و صلوات و استغفار مشغول بودند دل هر شنونده‌ای را به رقت می‌انداخت. عصر آن روز جز تعداد اندکی، کسی در مدینه باقی نمی‌ماند و همه شهر را ترک می‌کردند. (عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۱، ۴۶۵)

زیارت رجبیه حضرت حمزه (ع) در اوایل قرن دوازده کمی تغییر کرده بود. به‌عنوان مثال از اول ماه به احد می‌رفتند و بدین تربیت طول مراسم افزایش یافته بود. (نابلسی، ۱۹۹۸، ج ۳، ۲۴۸) دیگر اینکه حضور علما نیز در مراسم پررنگ‌تر شده بود؛ به‌گونه‌ای که ایشان و اعیان مدینه هرکدام سکوی خاصی داشته و برای حمزه (ع) مولودی می‌خواندند. تفاوت سوم، فروش انواع غذاها در احد بود. (نابلسی، ۱۹۹۸، ج ۳، ۲۳۲) این مراسم تا پایان قرن دوازدهم (حضیک، ۱۴۳۲، ۱۶۷؛ ورثیلانی، بی‌تا، ج ۲، ۵۵۴-۵۵۶) و قرن سیزدهم بدون تغییر و به همین شکل گزارش شده است. (برتون، بی‌تا، ج ۲، ۱۲۸؛ هندی کرناطکی، ۱۳۸۶، ۱۵۵ و ۱۸۳) در اوایل قرن چهارده چند مورد جدید در این مراسم گزارش شده که عبارت‌اند از سرودن قصیده، دف زدن، رقص و آواز، روشن کردن شمع داخل و خارج خیمه‌ها و صرف هزینه‌های گزاف برای مراسم. (قندهاری، ۱۴۳۷، ۲۲۶-۲۲۷) هرچند با تسلط وهابیان بر مدینه، آیین‌های این زیارت ممنوع و لغو گردید اما اصل زیارت رجبیه و حضور مکیان و سایر مسلمانان از اقصی نقاط جهان اسلام برای زیارت حضرت حمزه (ع) تا نزدیک قرن پانزده هجری برقرار بوده است. (کردی، بی‌تا، ج ۲، ۸۵)

بر اساس تتبعات ما، هیچ‌کدام از مورخان مدینه مانند ابن شبه (د. ۲۶۲ ق.) (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ۷۹-۸۶) و خصوصاً کسانی که در قرون میانی راجع به مدینه نگاشته‌اند - همچون ابن جبیر (۵۸۰ ق.) (ابن جبیر، ۲۰۰۸، ۱۵۴) ابن نجار (د. ۶۴۳ ق.)

(ابن نجار، بی تا، ۱۸۳-۲۱۳) ابن بطوطه (۷۲۶ ق. .) (ابن بطوطه، ۱۴۱۷، ج ۱، ۳۴۹-۳۶۹) آق شهری (د. ۷۳۹) (آقشهری، ۲۰۱۰، ج ۱، ۲۶۵-۲۶۶ و ۴۹۸-۵۰۲) طبری (د. ۷۴۱ ق. .) (مطری، ۱۴۲۶، ۱۲۳-۱۲۹) مراغی (د. ۸۱۶ ق. .) (مراغی، ۱۴۳۰، ۴۶۹-۴۷۹) سخاوی (د. ۹۰۲ ق. .) (سخاوی، ۲۰۰۹، ج ۱، ۱۲۹) سمهودی (د. ۹۱۱ ق. .) (سمهودی، ۲۰۰۱، ۳، ۳۱۲-۳۳۵) و عباسی (۱۰۳۵ ق. .) - (عباسی، بی تا، ۱۳۵-۱۳۷) از زیارت رجبیه سخنی به میان نیاورده‌اند.

اما ابن فرحون (د. ۷۶۹ ق. .) بیتوته مردم مدینه در جوار حضرت حمزه (ع) را گزارش کرده ولی زمان آن را هنگام نزول باران گفته، (ابن فرحون، ۱۴۲۳، ۱۲۶-۱۲۷) از آنجاکه توصیفات او از این مراسم دو روزه، کاملاً مشابه زیارت رجبیه شش روزه در نیمه اول قرن یازدهم است و نیز چون تعصبات مذهبی در نگارش تاریخ مدینه و گزارش وقایع آن سابقه‌دار است، (ابوطالبی، ۱۳۹۹، ۱۶۱-۱۶۰ و ۲۴۰) به نظر می‌رسد این مراسم بعدها به زیارت رجبیه تبدیل شده و برنامه‌های آن به مرور توسعه یافته است.

۳-۴. انتقال جنازه به احد

یکی دیگر از مباحث بحث برانگیز فقهی کلامی، موضوع انتقال جنازه به جایی غیر از محل وفات است. همان طور که این کار در میان شیعیان مرسوم بوده است، انتقال جنازه به مدینه نیز در طول تاریخ اسلام رواج داشته و مدنیان نه تنها با آن مخالفتی نداشتند بلکه گاهی از آن استقبال نیز کرده‌اند. (ابوطالبی و فرمانیان، ۱۳۹۹) با وجود آنکه بقیع مدفن رسمی اموات در مدینه بوده، پیکر برخی افراد به احد منتقل و در جوار حضرت حمزه (ع) دفن شده که در برخی از موارد با وصیت متوفیان بوده و امری قابل توجه است. ما به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

مردگان خشک‌سالی صدر اسلام

گفته شده بخشی از کسانی که در خشک‌سالی و قحطی زمان خلیفه دوم مرده‌اند در احد دفن شده‌اند. (مطری، ۱۴۲۶، ۱۲۶) هرچند برخی نیز معتقدند ایشان در همان مکان وفات یافته بودند. (ابن شیهه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ۱۳۱)

فرزند مغیره بن عبدالرحمن

مغیره، فرزندی به نام دانیال داشته که او را در احد دفن می‌کند. خودش نیز وصیت کرده

بود در احد دفن شود اما با این توجیه که این کار باعث خواهد شد قریشیان برای دفن اموات شان به احد متمایل شوند، او را در بقیع دفن می‌کنند. (زبیر بن بکار، ۱۴۱۹، ج ۲، ۶۸۰)

سنقر متولی بقیعه

طبق گفته مطری (د. ۷۴۱ ق. ۰) قبر پایین پای حضرت حمزه (ع)، متعلق به متولی بقیعه به نام سنقر است (مطری، ۱۴۲۶، ۱۲۶) که نشان می‌دهد این بقیعه حداقل از قرن هشتم متولی داشته. جالب آنجاست که وجود قبر او از قرن ده تا چهاردهم گزارش شده (سمهودی، ۲۰۰۱، ۳، ۳۰۹؛ نابلسی، ۱۹۹۸، ج ۳، ۲۲۱؛ قندهاری، ۱۴۳۷، ۲۲۶؛ فرشی، ۱۳۹۵، ج ۱۰، ۱۰۸) که از شناخته شدن قبر او در طی قرون مختلف حکایت می‌کند.

برخی شرفای مدینه

همه کسانی که قبر سنقر را گزارش کرده‌اند، قبور تعدادی از شرفای مدینه را که در صحن بقیعه بوده نیز ذکر کرده‌اند.

همسر قاضی سراج‌الدین

بیکر همسر قاضی شیعه مدینه به احد منتقل شده و قبر او محل زیارت مردم بوده که بدان تبرک می‌جستند. (ابن فرحون، ۱۴۲۳، ۲۰)

جلال الخجندی

نام او احمد بن محمد بن محمد و معروف به جمال الخجندی است که از علمای حنفی مدینه بوده و در سال ۸۰۲ ق. بنا بر وصیتش در احد در قبری که خودش آن را حفر کرده بود، دفن می‌شود. (سخاوی، ۲۰۰۹، ج ۱، ۴۴۷)

محمد بن علی زرنندی

او نیز یکی از علمای حنفی مدینه است که در سال ۸۶۸ ق. کنار جلال خجندی دفن می‌شود. (همان، ج ۶، ۳۷۸)

۳-۵. غار احد

برحسب گزارش‌های تاریخی و نیز مشاهدات میدانی، شکافی در دامنه احد وجود دارد که در طول تاریخ با شائبه‌هایی همراه بوده است. باوجود این که ابن شبه (د. ۲۶۲ ق.) معتقد است پیامبر (ص) داخل غار نشدند، (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ۷۲-۷۶) اما در سال

۵۸۰ ق. مردم معتقد بودند ایشان به این غار پناه برده‌اند. (ابن جبیر، ۲۰۰۸، ۱۵۴) در اوایل قرن هفت گفته می‌شد پیامبر (ص) در این غار نماز خوانده‌اند، اما ابن نجار (د. ۶۴۳ ق.) معتقد بوده روایتی در این باره نداریم و این مطلب قابل اعتماد نیست. (ابن نجار، بی‌تا، ۷۳) مطری (د. ۷۴۱ ق.) مراغی (د. ۸۱۶ ق.) و سمهودی (د. ۹۱۱ ق.) هم اعتقاد مردم به اینکه پیامبر (ص) داخل غار شده‌اند را گزارش کردند اما همانند ابن نجار آن را صحیح نمی‌دانند. (سمهودی، ۲۰۰۱، ۳، ۳۲۰؛ مطری، ۱۴۲۶، ۱۲۷؛ مراغی، ۱۴۳۰، ۴۷۸) سید کبریت (د. ۱۰۷۰ ق.) نیز گفته گمان شده ایشان در این غار پناه گرفته‌اند. (حسینی مدنی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۱۸۶)

در شرایطی که تاریخ‌نگاران حضور پیامبر اعظم (ص) در این غار را منتفی دانسته‌اند (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴، ۲۴؛ عاملی، بی‌تا، ج ۶، ۲۳۰) اما سخن گفتن در پیرامون این غار در منابع متعدد از قرن سه تاکنون حکایت از آن دارد که مسلمانان همیشه نسبت به آن اقبال داشته‌اند، چه اینکه مکرراً گزارش شده به خاطر آن از کوه بالا رفته‌اند. (حامدی، ۱۴۳۴، ج ۴، ۳۶۷) نگارنده نیز در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴ به اتفاق هم‌سفران خود، به این غار رفته و بوی خوش داخل آن را استشمام کرده است.

۳-۶. تکدی‌گری در احد

یکی از مظاهر ناپسند اجتماعی در اماکن شلوغ و زیارتی پدیده تکدی‌گری است که در سال‌های ۱۲۶۹ ق؛ (برتون، بی‌تا، ج ۲، ۱۳۱) (۱۳۱۷) ق؛ (امین الدوله، ۱۳۸۹، ۵۳۲) و ۱۳۲۲ ق. (علینقی، ۱۳۸۶، ۱۶۲) در احد گزارش شده است. این ناهنجاری اجتماعی در همان ایام در بقیع نیز گزارش شده. (برتون، بی‌تا، ج ۲، ۱۶۸)

جمع‌بندی

بررسی تاریخ مدینه نشان می‌دهد مسلمانان و اهالی مدینه علاقه و احترام خاصی برای حضرت حمزه (ع) قائل بوده‌اند. توجه و اهتمام پیامبر اعظم و سیره چهره‌های سرشناس صدر اسلام در زیارت ایشان سبب شد تا فقهای فریقین زیارت حضرت حمزه (ع) را مستحب شمرده و مسلمانان نیز با آداب خاصی به زیارت ایشان مشرف شوند که برخی از آن موارد قابل توجه است: اینکه تا مدت‌ها مدنیان در هر مصیبتی ابتدا بر حمزه (ع) سیدالشهدا می‌گریستند. این ادب یادآور روایت امام رضا (ع) است که فرمودند «ان کنت باکیا لشیئی

فابک للحسین (ع)». (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ۱۳۰) اعتقاد مدنی‌ها به اینکه حضرت حمزه (ع) سلام‌شان را پاسخ می‌دهد و اشخاصی که آن پاسخ را شنیده‌اند، می‌تواند کارکردهای کلامی داشته باشد. سفارش به اقامه نماز زیارت برای حضرت حمزه (ع)، در حالی که این نماز فقط برای معصومین (ع) وارد شده و اهتمام شیعیان بدان، از جایگاه رفیع ایشان نزد اهل بیت حکایت دارد. یکی دیگر از شباهت‌های زیارت حمزه (ع) با زیارت امام حسین (ع) دشواری‌های زیارت ایشان است که به مواردی از آن اشاره شد.

دومین محور قابل توجه در زیارت حضرت حمزه (ع)، اختصاص روزهای خاصی از هفته و سال به زیارت ایشان است. در سیره مدنیان در طول سال، روز پنجشنبه به زیارت ایشان اختصاص داشته و در موسم حج گاهی هر روز این زیارت صورت می‌گرفته است. علاوه بر این در سه مناسبت خاص نیز مردم به زیارت ایشان مشرف می‌شدند: روز شهادت ایشان در نیمه شوال، در ماه رجب و در آخرین پنجشنبه جمادی الثانی.

مهم‌ترین و برجسته‌ترین مراسم، زیارت سالانه ایشان یا همان زیارت رجبیه است. تعداد روزهای این مراسم باشکوه که آن را همانند اجتماع حجاج در منا توصیف کرده‌اند و اجزای آن که به مرور زمان با توسعه و تحول همراه بوده است، نشانه این اهمیت است. اهتمام فراوان اهل حجاز (اهالی مکه، طائف، مدینه و...) به شرکت در این مراسم، حضور پرشور، پر تعداد و از روی اعتقاد مدنی‌ها با هر مشرب فکری و از هر طیف اجتماعی، اجرای مولودی خوانی توسط علمای مدینه (عمدتاً از متصوفه)، طبخ و توزیع نذورات، بیتوته در جوار حضرت حمزه (ع) و برپایی این مراسم از قرن هشتم و گزارش مستمر از برگزاری آن حداقل به مدت سه قرن، از ویژگی‌های مهم و قابل توجه زیارت رجبیه بوده است. از آنجاکه زیارت و عمره رجبیه از دوران حاکمیت شیعیان بر حرمین گزارش شده ابوطالبی، ۱۳۹۸، ۱۳۱-۱۲۷) و شیعیان زیارت پیامبر اعظم و ائمه هدی را در ماه رجب مستحب می‌دانند (طوسی، بی تا، ج ۲، ۸۲۱) - تا جایی که برخی آن را متفق علیه گفته‌اند - (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷، ۳۷۷) به نظر می‌رسد این دو سنت در حرمین، ریشه‌های شیعی داشته است.

مکانت حضرت حمزه (ع) در اعتقادات مسلمانان به عنوان سومین محور مورد بررسی قرار گرفت. تبرک جستن به حضرت حمزه (ع) به صورت حضور در مزار یا تبرک به تربت ایشان امری رایج، مقبول و مستمر بوده است. تبرک به تربت حضرت حمزه (ع) اول بار توسط صدیقه طاهره (س) و با ساخت تسبیح شروع شد و بعدها با بردن آن به نیت شفا استمرار پیدا

کرد. در مقبولیت این استشفای همین بس که اندیشمندان اهل سنت بردن این تربت را از حرمت بردن خاک حرم استثنا کرده و از شفای بیماران با این تربت گزارش‌هایی ارائه کرده‌اند. توسل به حضرت حمزه (ع) برای تقرب به پیامبر اعظم و دعا به درگاه الهی در کنار تربت ایشان برای برآورده شدن حاجات، مکرراً گزارش شده و در مواردی با طبخ و توزیع نذورات نیز همراه بوده که همه این‌ها از جایگاه رفیع حضرت حمزه (ع) در باورهای اعتقادی مسلمانان حکایت دارد.

مجموع مواردی که تاکنون گفته شد، سبب شده تا مسلمانان، رفتارهای اجتماعی خاصی نیز در مواجهه با مزار حضرت حمزه (ع) از خویش بروز دهند. اولین مورد، بنای مسجد بر مزار ایشان است که از قرن سه تا چهارده متواتراً گزارش شده به‌گونه‌ای که مزار ایشان را همواره با این مسجد می‌شناختند. برگزاری مفصل و باشکوه جشن‌های ماه رجب در کنار مزار ایشان که به‌مرور به بیتوته و سکونت در مجاورت احد منجر شد دومین مورد است. انتقال جنازه برخی متوفیان به احد که گاهی با وصیت ایشان صورت می‌پذیرفته و سیره مستمر مسلمانان در طول تاریخ اسلام به حضور در غار احد باوجود مخالفت مورخان و ... تبرک به آن و نیز پدیده غیرفرهنگی تکدی‌گری از دیگر مصادیق رفتارهای اجتماعی مسلمانان نسبت به مزار حضرت حمزه (ع) هستند که در مورد آن صحبت کردیم.

نتیجه‌گیری

مقایسه آداب و رسوم اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی مسلمانان در بقیع و مزار حضرت حمزه (ع) نشان‌دهنده علو جایگاه و مرتبت ایشان نزد مسلمانان است. هرچند بزرگانی از فرزندان پیامبر (ص)، صحابه، تابعین، فقها و ... در بقیع مدفون‌اند اما برخی عادات و رسومی که مدنیان برای حضرت حمزه (ع) قائل بوده و به آن‌ها عمل می‌کردند مانند تبرک به تربت ایشان، طبخ و توزیع نذری، اعتقاد به دعا در جوار ایشان برای حل مشکلات‌شان، بیتوته در احد، مولودی‌خوانی و ... هیچ‌گاه در بقیع مشاهده و گزارش نشده و این همه از اثرگذاری عمیق فرهنگی و اجتماعی حضرت حمزه (ع) بر اهل مدینه و مسلمانان نشان دارد.

منابع

١. آقشهري، محمد بن احمد بن امين، الروضة الفردوسية و الحضرة القدسية، لندن - انگليس، مؤسسه الفرقان للتراث الإسلامي، ٢٠١٠.
٢. ابن ابى الحديد، عبد الحميد بن هبه الله، شرح نهج البلاغه (ابن ابى الحديد)، ٢٠ ج، قم، كتابخانه عمومي حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى (ره)، بى تا.
٣. ابن اثير، على بن محمد، أسد الغابة فى معرفة الصحابة، بيروت - لبنان، دار الفكر، ١٤٠٩.
٤. ابن ادريس، محمد بن احمد، السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى (و المستطرفات)، ٣ ج، قم، جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية بقم، مؤسسه النشر الإسلامى، بى تا.
٥. ابن العتيق، ماء العينين، الرحلة المعينية، ١ ج، ابوظبى - امارات، دار السويدى للنشر و التوزيع، بى تا.
٦. ابن بابويه، محمد بن على، أمالى شيخ صدوق، تهران - ايران، كتابچى، ١٣٧٦.
٧. ابن بطوطه، محمد بن عبد الله، تحفة النظار فى غرائب الأمصار و عجائب الأسفار، رباط - مغرب، مطبوعات أكاديمية المملكة المغربية، ١٤١٧.
٨. ابن بلدجى، عبدالله بن محمود، الاختيار لتعليق المختار، بيروت - لبنان، دار الكتب العلمية، ١٤٢٦.
٩. ابن جبير، محمد بن احمد، تذكرة بالأخبار عن اتقافات الأسفار، ١ ج، بيروت - لبنان، المؤسسة العربية للدراسات و النشر - دار السويدى، ٢٠٠٨.
١٠. ابن حيون، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام عن اهل بيت رسول الله عليه و عليهم افضل السلام، ٢ ج، قم، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، بى تا.
١١. ابن شاهين، عمر بن احمد، ناسخ الحديث و منسوخه، الزرقاء - اردن، مكتبه المنار، ١٤٠٨.
١٢. ابن شبه نميرى، عمر بن شبه، تاريخ المدينة المنورة، ٤ ج، قم - ايران، دار الفكر، ١٤١٠.

١٣. ابن عساکر الدمشقی، عبد الصمد بن عبد الوهاب، إتحاف الزائر و إطفاف المقيم للسائر فی زیارة النبی صلی الله علیه وسلم، شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم، بی تا.
١٤. ابن فرحون، برهان الدین ابراهیم، إرشاد السالك إلى أفعال المناسك، ریاض - عربستان، مكتبة العبيكان، ١٤٢٣.
١٥. ابن فرحون، عبد الله بن محمد، تاریخ المدينة المنورة المسمى نصيحة المشاور و تعزية المجاور، قاهره - مصر، مكتبة الثقافة الدينية، ١٤٢٧.
١٦. ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، ١ ج، نجف اشرف - عراق، مطبعة المرتضوية، بی تا.
١٧. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، البداية و النهاية، بيروت - لبنان، دار الفكر، ١٤٠٧.
١٨. ابن ماجه، محمد بن يزيد القزويني، سنن ابن ماجه، بيروت - لبنان، دار الرسالة العالمية، ١٤٣٠.
١٩. ابن مازه، محمود بن احمد، المحيط البرهاني في الفقه النعماني فقه الإمام أبی حنيفة رضي الله عنه، بيروت - لبنان، دار الكتب العلمية، ١٤٢٤.
٢٠. ابن مشهدي، محمد بن جعفر، المزار الكبير، ١ ج، قم - ايران، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي، ١٣٧٨.
٢١. ابن نجار، محمد بن محمود، الدرّة الثمينه في أخبار المدينة، بيروت - لبنان، شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم، بی تا.
٢٢. ابن نجار، محمد بن محمود بن الحسن، الدرّة الثمينه في أخبار المدينة، مركز بحوث و دراسات المدينة المنوره، ٢٠٠٦.
٢٣. ابن براج، عبدالعزيز بن نحرير، المهذب، ٢ ج، قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي، بی تا.
٢٤. ابو اليمن عليمي، عبد الرحمن بن محمد، الأنس الجليل بتاريخ القدس و الخليل، ٢ ج، عمان - مكتبة دنيس، بی تا.

۲۵. ابوطالبی، عمار، «واکاوی جایگاه فرهنگی و تمدنی بقیع» (رساله دکترا)، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۸.
۲۶. ———، «نقش و کارکرد شیعیان در مکه در دوران عثمانی» (رساله کارشناسی ارشد)، دانشگاه ادیان و مذاهب، بی تا.
۲۷. ———، «بیت الاحزان یا مسجد فاطمه و واکاوی ماهیت تاریخی آن»، پژوهشنامه حج و زیارت، در دست چاپ.
۲۸. ابوطالبی عمار، و فرمانیان مهدی، «گونه شناسی انتقال جنازه به مدینه در طول تاریخ اسلام»، پژوهشنامه حج و زیارت، ش. ۱۰، ۱۳۹۹.
۲۹. البیهقی، احمد بن الحسین، شعب الإیمان، ریاض - عربستان، مکتبه الرشد للنشر و التوزیع، ۱۴۲۳.
۳۰. الحربی المدنی، عبدالرحیم حسن، خطباء المنبر الحسینی فی المدینة المنورة، قم، نشر دانش حوزه، ۱۴۳۰.
۳۱. الحویزی الموسوی، سید علی خان، الرحلة المکیة، رحلات الکرام الی بیت الله الحرام، ج ۱، قم، دانش حوزه، ۱۴۴۲.
۳۲. الشریبئی، محمد بن احمد، مغنی المحتاج الی معرفة معانی ألفاظ المنهاج، بیروت - لبنان، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵.
۳۳. الشرنبلالی، حسن بن عمار، مراقی الفلاح شرح نور الإیضاح، بیروت - لبنان، المکتبه العصریة، ۱۴۲۵.
۳۴. المحمدی، سعود بن عبدالمحیی الصاعديیوسف بن مطر، احد: الاثار - المعرکه - التحقیقات، احد، دراسات فی خدمه المدینه النبویه؛ (۱)، مدینه، دار المجتمع، ۱۳۷۱.
۳۵. امین الدوله، میرزا علی اصغر خان، سفرنامه مکه، ۵۰ سفرنامه حج قاجاری، ج ۶، تهران - ایران، نشر علم، ۱۳۸۹.
۳۶. بادکوبه ای، عبدالرحیم، «سفرنامه مکه»، ویراسته‌ی عارف رمضان، میقات حج، ش. ۷۹، صفحه ۱۳۸-۱۱۸، ۱۳۹۱.

۳۷. بانو علویه کرمانی، روزنامه سفر حج، ۵۰ سفرنامه حج قاجاری، ج ۵، تهران - ایران، نشر علم، ۱۳۸۹.
۳۸. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۳.
۳۹. بخارایی، رحمت الله بن ملا عاشور، سفرنامه مکه، ۵۰ سفرنامه حج قاجاری، ج ۴، تهران - ایران، نشر علم، ۱۳۸۹.
۴۰. برتون، ریچارد ف.، رحلة بورتون الى مصر و الحجاز، قاهره - مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، بی تا.
۴۱. بروجردی، محمد علی بن محمد رضی، بزم غریب، ۵۰ سفرنامه حج قاجاری، ج ۱، تهران - ایران، نشر علم، ۱۳۸۹.
۴۲. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف (۵ جلدی)، ۵ ج، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بی تا.
۴۳. بیهقی، احمد بن حسین بن علی، السنن الكبرى، بیروت - لبنان، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴.
۴۴. بیرم خامس، محمد مصطفی، صفوة الإعتبار بمستودع الأمصار و الأقطار، ۲ ج، بیروت - لبنان، دار الکتب العلمیة، بی تا.
۴۵. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة، ۷ ج، بیروت، دار الکتب العلمیة، بی تا.
۴۶. تکابی، حاجی سلیم خان، حج نامه، ۵۰ سفرنامه حج قاجاری، ج ۶، تهران - ایران، نشر علم، ۱۳۸۹.
۴۷. حامدی، اسماعیل بن موسی، الرحلة الحامدیة الى الديار الحجازیة، بیروت - لبنان، دار الکتب العلمیة، ۱۴۳۴.
۴۸. حسینی مدنی، محمد کبریت، الجواهر الثمینیة فی محاسن المدینة، بیروت - لبنان، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷.

۴۹. حضیکى، احمد بن محمد، الرحلة الحجازية، الرباط، مركز الدراسات و الابحاث و احیاء التراث الرباطه المحمديه للعلماء، ۱۴۳۲.
۵۰. حلى، يحيى بن سعيد، الجامع للشرايع، قم، موسسه سيد الشهداء (ع)، ۱۴۰۵.
۵۱. حوزة نمایندگی ولی فقیه در امور حج زیارت، احد، تهران، مشعر، [۱۳].
۵۲. خاکرند، شکرالله، سیدی، سیداحیا، و دهقان، معصومه، «رفتارشناسی صحابه در توزیع غنایم غزوات پیامبر(ص)»، تاریخ اسلام، ۲۱، ش. ۸۳، صفحه ۷۷-۱۱۰، ۱ دی ۱۳۹۹.
۵۳. خوارزمی، محمد بن اسحاق، إثارة الترغیب و التشویق إلى المساجد الثلاثة و البيت العتیق، ۲ ج، مکه مکرمه - عربستان، مکتبه نزار مصطفی الباز، بی تا.
۵۴. خیاری، احمد یاسین، تاریخ معالم المدینة المنورة قديما و حديثا، ریاض - عربستان، داره الملك عبدالعزيز، ۱۴۱۹.
۵۵. رتر، الدون، مدینتا الجزیره العربیة المقدستان، ترجمه ی عبدالله بن محمد نصیف، مکه مکرمه - عربستان، مرکز تاریخ مکه المکرمة، ۱۴۳۳.
۵۶. زبیر بن بکار، جمهره نسب قریش و أخبارها، ریاض - عربستان، دار الیمامة للبحث و الترجمة و النشر، ۱۴۱۹.
۵۷. زرکشی، محمد بن عبدالله، اعلام الساجد باحکام المساجد، المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیة لجنة احیاء التراث الاسلامی، ۱۴۲۰.
۵۸. سخاوی، شمس الدین محمد بن عبدالرحمن، التحفة اللطيفة فی تاریخ المدینة الشریفة، مدینه منوره - عربستان، مرکز بحوث و دراسات المدینة المنورة، ۲۰۰۹.
۵۹. سمهودی، نورالدین علی بن عبدالله، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ۵ ج، مؤسسه الفرقان للتراث الإسلامی، ۲۰۰۱.
۶۰. سنجاری، علی بن تاج الدین، منائح الکریم فی أخبار مکه و البيت و ولاة الحرم، ۶ ج، مکه مکرمه - عربستان، وزارة التعليم العالی، جامعة أم القرى، معهد البحوث العلمیة، مرکز احیاء التراث الاسلامی، بی تا.

۶۱. سید مرتضی بن علی بن علوان، الرحلة المکیة، رحلات الکرام الی بیت الله الحرام، ج ۱، قم، دانش حوزه، ۱۴۴۲.
۶۲. شرقی الفاسی، ابی عبد الله محمد بن الطیب، الرحلة الحجازیة، ابوظبی - امارات، دار السویدی للنشر و التوزیع، ۲۰۱۴.
۶۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی، حاشیة الإرشاد، ۴ ج، قم، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات، بی تا.
۶۴. شیرازی، نایب الصدر، سفرنامه مکه، ۵۰ سفرنامه حج قاجاری، ج ۵، تهران - ایران، نشر علم، ۱۳۸۹.
۶۵. صادق پاشا، نبذة فی استکشاف طریق الارض الحجازیة، الرحلات الحجازیة، بیروت - لبنان، بدر للنشر و التوزیع، ۱۹۹۹.
۶۶. صادق پاشا، محمد، دلیل الحج للوارد الی مکة و المدينة من کل فج، الرحلات الحجازیة، بیروت - لبنان، بدر للنشر و التوزیع، ۱۹۹۹.
۶۷. صالح مرشد، احمد امین، طبیة و ذکریات الاحبة، ویراسته ی عبیدالله محمد کردی، ۱۴۱۳.
۶۸. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهجد، ۲ ج، تهران، المکتبة الاسلامیة، بی تا.
۶۹. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم (ط - جدید)، ۳۵ ج، قم - ایران، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، بی تا.
۷۰. عباسی، احمد بن عبدالحمید، عمدة الاخبار فی مدینة المختار، مدینه منوره - عربستان، اسعد درابزونی الحسینی، بی تا.
۷۱. عبدالغنی، عارف احمد، تاریخ أمراء المدینة المنورة، ۱ ج، دمشق - سوریه، دار کنان للطباعة و النشر و التوزیع، بی تا.
۷۲. عصمت السلطنة، دختر فرهاد میرزا، سفرنامه مکه، ۵۰ سفرنامه حج قاجاری، ج ۴، تهران - ایران، نشر علم، ۱۳۸۹.

۷۳. علامه حلی، حسن بن یوسف، تحریر الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، قم، موسسه امام صادق عليه السلام، ۱۳۷۸.
۷۴. علویه کرمانی، روزنامه سفر حج عتبات عالیات و دربار ناصری، ۱ ج، قم - ایران، نشر مؤرخ، ۱۳۸۶.
۷۵. علی بن موسی، وصف مدينه المنوره، رسائل فی تاریخ المدينه، ریاض - عربستان، دار الیمامه للبحث و الترجمة و النشر، بی تا.
۷۶. علی حسین بن خیرات علی، منازل قمریه در سوانح سفریه، ۵۰ سفرنامه حج قاجاری، ج ۲، تهران - ایران، نشر علم، ۱۳۸۹.
۷۷. عمران السریغینی، عبدالسلام بن محمد، اللؤلؤة الفاشیه فی الرحلة الحجازیه، بیروت - لبنان، مرکز التراث الثقافی المغربی، ۱۴۳۱.
۷۸. عیاشی، عبدالله بن محمد، الرحلة العیاشیه، ابوظبی - امارات، دار السویدی للنشر و التوزیع، ۲۰۰۶.
۷۹. غزالی، ابو حامد محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، بیروت - لبنان، دار الکتب العربی، بی تا.
۸۰. فراهانی، محمدحسین بن مهدی، سفرنامه میرزا محمد حسین فراهانی، ۱ ج، تهران - ایران، فردوس، ۱۳۶۲.
۸۱. فرشی، ذراع مدينه، ۵۰ سفرنامه حج قاجاری، ج ۱۰، قم - ایران، نشر مؤرخ، ۱۳۹۵.
۸۲. فرهاد میرزا معتمد الدوله، سفرنامه مکه، ۵۰ سفرنامه حج قاجاری، ج ۳، تهران - ایران، نشر علم، ۱۳۸۹.
۸۳. فقعی، علی بن علی، الدر المنضود فی معرفه صیغ النیات و الايقاعات و العقود، ۱ ج، قم، مکتبه مدرسه امام العصر (عج) العلمیه، بی تا.
۸۴. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، المعانم المطابه فی معالم طابه، ۴ ج، مدينه منوره - عربستان، مرکز بحوث و دراسات المدينه المنوره، ۲۰۰۲.

۸۵. قائدان، اصغر، «سازماندهی جنگی در غزوات عصر پیامبر (ص)»، مطالعات تاریخی جنگ، ۰، ش. ۳، صفحه ۷۵-۹۶، ۴ فروردین ۱۳۹۷.
۸۶. قندهاری، ابوالقاسم بن احمد، «مقتطفات من رحلة الحج لابی القاسم القندهاری»، میقات الحج، ش. ۴۴، صفحه ۱۹۱-۲۳۶، ژانویه ۱۴۳۷.
۸۷. کازرونی، ملا ابراهیم، سفرنامه مکه، ۵۰ سفرنامه حج قاجاری، ج ۶، تهران - ایران، نشر علم، ۱۳۸۹.
۸۸. کردی، محمد طاهر، التاريخ القویم لمکة و بیت الله الکریم، ۳ ج، بیروت - لبنان، دار خضر، بی تا.
۸۹. کرمی، محمد بن احمد، أحسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم، بیروت - لبنان، دار صادر، بی تا.
۹۰. کرناطکی، حافظ محمد عبدالحسین، تذکره الطریق، ۵۰ سفرنامه حج قاجاری، ج ۱، تهران - ایران، نشر علم، ۱۳۸۹.
۹۱. کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الامین، ۱ ج، ۱۳.
۹۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (دار الحدیث)، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۴۲۹.
۹۳. گل فشان، اشرف، «حمزه (ع) عموی پیامبر (ص)»، فرهنگ کوثر، ۱۰، ش. ۶۹، صفحه ۱۲۵-۳۵، ۴ فروردین ۱۳۸۶.
۹۴. لیبیب البتنونی، محمد، سفرنامه حجاز، ترجمه‌ی هادی انصاری، تهران، مشعر، بی تا.
۹۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۹۶. مراغی، زین الدین ابی بکر بن الحسین، تحقیق النصره بتلخیص معالم دار الهجرة، فیوم - مصر، دار الفلاح للبحث العلمی و تحقیق التراث، ۱۴۳۰.
۹۷. مرجانی، عبدالله بن عبدالملک، بهجة النفوس و الاسرار فی تاریخ دارالهجرة النبوی المختار، ۲ جلد، ج، بیروت - لبنان، دارالغرب الاسلامی، بی تا.

۹۸. مطری، جمال الدین محمد بن احمد، التعریف بما انست الهجرة من معالم دار الهجرة، ریاض - عربستان، داره الملك عبدالعزيز، ۱۴۲۶.
۹۹. معرف: خطاب، محمود شیت، «حمزة بن عبدالمطلب: أسد الله و أسد رسوله و سید الشهداء»، البحوث الإسلامية، ۱، ش. ۱۱، صفحه ۲۸۵-۳۱۲، ۳ نوامبر ۱۴۰۴.
۱۰۰. مفید، محمد بن محمد، کتاب المزار: مناسک المزار (مفید)، ۱ ج، قم - ایران، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید، بی تا.
۱۰۱. منشی زاده، محمد حسین، سفرنامه مکه، ۵۰ سفرنامه حج قاجاری، ج ۸، تهران - ایران، نشر علم، ۱۳۸۹.
۱۰۲. مهندس، میرزا محمد، الوجیزه فی تعریف المدینة، ۵۰ سفرنامه حج قاجاری، ج ۳، تهران - ایران، نشر علم، ۱۳۸۹.
۱۰۳. نابلسی، عبدالغنی، الحقیقه و المجاز فی رحلة بلاد الشام و مصر و الحجاز، دار المعرفة، ۱۹۹۸.
۱۰۴. نجفی، محمد باقر، مدینه شناسی (ویرایش جدید)، ۲ ج، تهران - ایران، مشعر، ۱۳۸۶.
۱۰۵. نجمی، محمدصادق، تاریخ حرم ائمه بقیع و آثار دیگر در مدینه منوره، تهران - ایران، مشعر، ۱۳۸۶.
۱۰۶. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۳۰ ج، بیروت، موسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، بی تا.
۱۰۷. نووی، یحیی بن شرف، المجموع شرح المهذب، بیروت - لبنان، دار الفکر، بی تا.
۱۰۸. هدایت، مخیر السلطنه، سفرنامه مکه معظمه، ۵۰ سفرنامه حج قاجاری، ج ۷، تهران - ایران، نشر علم، ۱۳۸۹.
۱۰۹. هدایتی، سید احمد، سفرنامه حج، ۵۰ سفرنامه حج قاجاری، ج ۸، تهران - ایران، نشر علم، ۱۳۸۹.

٤. مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال نهم، شماره ٢٠، زمستان ١٤٠٠

١١٠. هندی کرناٹکی، محمد عبد الحسین، تذکرہ الطریق فی مصائب حجاج بیت الله العتیق، ١ ج، قم - ایران، نشر مؤرخ، ١٣٨٦.
١١١. ہیتمی، احمد بن حجر، الجوهر المنظم فی زیارة قبر الشریف النبوی المکرم، بیروت - لبنان، دار الحاوی، ١٤٣٤.
١١٢. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ٣ ج، بیروت، مؤسسۃ الأعلمی للمطبوعات، بی تا.
١١٣. ورثیلانی، حسین بن محمد، الرحلة الورثیلانیة الموسومة بنزهة الأنظار فی فضل علم التاريخ و الأخبار، ٢ ج، قاهره - مصر، مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.
١١٤. وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیة، الموسوعة الفقهیة الكويتیة، کویت، دار السلاسل، ١٤٠٤.
١١٥. وزیر وظایف، داود بن علیتی، سفرنامه میرزا داوود وزیر وظایف، ١ ج، تهران - ایران، مشعر، ١٣٨٦.
١١٦. ولی میرزا قاجار، محمد، سفرنامه مکه، ٥٠ سفرنامه حج قاجاری، ج ١، تهران - ایران، نشر علم، ١٣٨٩.
١١٧. یحیی بن مطهر، بلغة المرام فی رحلة الى البيت الله الحرام والى المدينة النبویة، ابوظبی، دار السویدی للنشر و التوزیع، ٢٠٠٦.